

## عمارت ملیجک

### امیر حسین ذاکر زاده

در طول چند سال خدمت در کتابخانه مقدس مجلس شورای اسلامی در سالهایی پیش از این، سوای منابع و آثار شگفتی‌آور این کتابخانه، عمارت قدیم کتابخانه مجلس و سایر عمارت باغ بهارستان بسیار توجه‌ام را جلب کرد. عمارت‌هایی که همچون نگینی درخشان بر رکاب انگشتی بهارستان می‌درخشیدند. یکی از این نگین‌های عمارت‌گون، عمارت ملیجک بود. عمارتی که کمتر کسی از حیات آن باخبر است و همواره در طول تاریخ، از چشم مشتاقان پنهان بوده است. در این مقاله، بر پیشینه‌ی این میراث فرهنگی ایران‌زمین کوتاه نظری خواهیم داشت.

### مختصری از زندگی ملیجک

نام اصلی وی غلامعلی بوده و معروف به ملیجک و ملقب به عزیزالسلطان و بعدها هم ملقب به سردار محترم شده است. وی در کودکی دارای منصب امیر تومانی بوده و همچنین مفتخر به دریافت شمشیر مرصع شده است. ملیجک، برادرزاده امین اقدس گروسی یکی از زنان سوگلی و از امینان دربار ناصرالدین شاه بود و راه ورود وی به دربار همین خویشاوندی با امین اقدس بوده است. تولدش در بیست و یکم ماه مبارک رمضان سال ۱۲۵۷ شمسی در محله‌ی عباس‌آباد طهران بود، وی فرزند میرزا محمد خان ملقب به امین خاقان معروف به ملیجک اول است.

میرزا محمد خان را ملیجک اول و غلامعلی خان را ملیجک دوم می‌گویند. نیز می‌گویند روزی این کودک یا همان برادرزاده امین اقدس که تازه هم زبان باز کرده بوده در حضور شاه با دیدن گنجشکی، به آن اشاره می‌کند و با زبان کودکی و لهجه گروسی می‌گوید: ملیجک، ملیجک و این شیرین‌زبانی بسیار به دل ناصرالدین شاه می‌نشیند و این واژه را برای وی لقب قرار می‌دهد و به او ملیجک می‌گویند.



ملیجک یا ملیجک تبدیل و تحریف همان ملیجک است. به هر حال با خوش آمد شاه، کودک را بیشتر به اندرون می‌برند و با وقوع اتفاق دیگری وی کاملاً مقرب درگاه شاه می‌شود آن ماجرا از این قرار بوده که ناصرالدین شاه معمولاً در یکی از اتاقهای کاخ زیر یک چلچراغ و روی زمین می‌خوابیده، یکبار رختخواب شاه را پهن می‌کنند و ملیجک کوچک هم آنجا بوده، این کودک با اشاره و زبان کودکی از شاه می‌خواهد که رختخوابش را جابجا کند و جای دیگری بیندازد و شاه نیز به این خواسته کودک مورد علاقه‌اش عمل می‌کند و پس از گذشت مدتی آن چلچراغ ناگهان به زمین افتاده و از بین می‌رود، شاه این اتفاق را به فال نیک گرفته و کودک را فرشته

نجات خود می‌داند و از این پس بوده که روز به روز، شدت علاقه شاه به کودک زیادتر می‌شود، بطوری که این کودک زشت و لاغر و لجوج را از فرزندان خود بیشتر دوست می‌دارد. بطوریکه پس از آن هیچکس با هیچ خدمتی نتوانست به اندازه او محرم و مقرب درگاه شاه شود. خود ناصرالدین شاه هم هیچگاه جوابی برای علت این همه عشق و علاقه خود به او نداشت. این عشق به حدی بود که مردمان افسانه‌های بسیار برای آنها درست می‌کردند و گاهی ناصرالدین شاه را فاعل ملیجک می‌خواندند که این موضوعات هیچگاه توسط مقربین درگاه و یا مخالفین ناصرالدین شاه در زمان خودش هم تأیید نشد.

ملیجک خاطرات زندگی خویش را به خواهش احتشام السلطنه به نگارش درآورده است و از سال ۱۳۱۹ قمری تا سال ۱۳۳۶ قمری مشغول به این کار بوده، بدین معنی که او ۶ سال بعد از ترور ولی نعمت خود نوشتن خاطرات را آغاز می‌کند و زمانی قلم به زمین می‌گذارد که احمد شاه قاجار بر تخت نشسته است. از سالهای پایانی زندگی وی یعنی فاصله پایان روزنامه خاطرات تا مرگ وی اطلاعات موثقی در دست نیست مگر حکم بازنشستگی وی بعنوان پیشخدمت مخصوص ولیعهد (محمد حسن میرزا قاجار) که نشان می‌دهد ماهانه یکهزار ریال برایش مقرر شده است، می‌گویند این حکم بر اثر اقدامات مستوفی الممالک و با نظر رضا شاه صادر شده است. شرح زندگانی وی چه در دوران خود و چه پس از مرگ معمولاً سوژه دست بسیاری از نویسندگان بوده، چرا که این مطالب خوانندگان بسیاری داشته است که ما در اینجا به نمونه‌ای از این خاطرات و نوشته‌ها اشاره خواهیم کرد.

این نکته قابل یادآوری است که علاقه به دانستن شرح زندگی ملیجک در دو سه دهه گذشته در ذهن مردمان وقتی فزونی یافت که سریال سلطان صاحبقران ساخته مرحوم علی حاتمی از تلویزیون ایران در سال ۱۳۵۴ پخش شد و شدت این علاقه به دلیل سوژه و ساخت عالی سریال و همچنین بازی استادانه

و هنرمندانه‌ی زنده یاد پرویز فنی‌زاده در نقش ملیجک بوجود آمد. وی در سالهای پایانی عمر در یکی از کوچه‌های فرعی خیابان لختی (سعدی) تهران و در نهایت گمنامی زندگی می‌کرد. ملیجک در سن ۶۳ سالگی و در یکی از شبهای سرد زمستان ۱۳۱۹ شمسی موقعی که شب هنگام به خانه باز می‌گشت در بین راه ناگهان پایش درون تلی از کاهگل که وسط کوچه ساخته و رها کرده بودند فرو می‌رود و به علت ضعف و سکتته‌ی قلبی در همانجا جان به جان آفرین تسلیم می‌کند، جنازه‌ی وی در مقبره خانوادگی مستوفی در ده ونک به خاک سپرده می‌شود. این مقبره هم اکنون در وسط عرصه‌ی دانشگاه الزهراء تهران قرار گرفته است. محمد حسن خان اعتماد السلطنه، کاتب دربار ناصری در یادداشتهای روزانه اینگونه از ملیجک یاد می‌کند؛

« ۶ رجب ۱۳۰۰: ملیجک تب کرده بود، شاه به این واسطه کسالت دارند.»

« ۷ رجب ۱۳۰۰: شاه سلطنت آباد رفتند از ناخوشی ملیجک زیاد متغیر بودند نه ناهار خوردند و نه خوابیدند، عصر مراجعت به شهر فرمودند.»

« سه شنبه ۵ ربیع الثانی ۱۳۰۵: شنیدم از مجدالدوله که عزیزالسلطان [ملیجک] به شاه عرض کرده است، چرا نوکرهای شما به پسرهای گه شما تعظیم می‌کنند و از برای من کسی تواضع نمی‌کند. شاه فرمودند هر کس به تو تکریم نمی‌کند با شمشیرت شکمش را پاره کن.»

«شنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۳۰۵: عزیزالسلطان از بیماری خوب شده با شمشیر و حمایل و یک فوج لاهوتی و خواجه و غلام بچه در باغ گردش می‌کرد شنیدم دندان عزیزالسلطان که افتاده بود، شاه طلا گرفته و به موزه گذاشته است.»

دکتر فووریه فرانسوی طبیب مخصوص ناصرالدین شاه در یادداشتهای خود در مورد ملیجک اینچنین می‌آورد: «وجود این بچه کثیف خودرأی در دربار گذشته از اینکه چیزی بر شأن شاه نمی‌افزود، باعث سرشکستگی او نیز شده، به نظر من محبتی که اعلیحضرت به این بچه حیوان چشم دریده دارد بکلی غیر طبیعی است در صورتیکه انسان از دیدن اطفال نازنین خود شاه حظ می‌برد و تعجب می‌کند که او چرا محبت را از اطفال خود دریغ داشته و به این عزیز دردانه متوجه می‌سازد.»

## عمارت ملیجک

تاریخ ساخت این عمارت را از روی خاطرات خود عزیزالسلطان (ملیجک) می‌توان به درستی دریافت. وی در خاطرات خود به تاریخ جمعه دوم ربیع الاول ۱۳۱۳ ق می‌نویسد:

ساعت چهار و نیم از شب گذشته آغابشیرخان از شهر وارد شد، دو روز قبل رفته بود امامزاده داوود، دیشب وارد شد، از قراریکه می‌گفت شهر بسیار گرم است. می‌گفت از عمارت تازه‌ای که در عزیزیه بنا شده طاق زیرزمینها را زده‌اند و حالا مشغول بنائی اتاقهای روی زیرزمینها هستند... این سال مصادف است با آخرین سال سلطنت و ترور ناصرالدین شاه، و شاید به همین خاطر باشد که در بررسی عمارت در می‌یابیم که چگونه بنا با عجله و سست بنیان شده است.

## مالکین عمارت:

عمارت ملیجک در محوطه و مجموعه‌ای در بهارستان واقع شده که کلاً متعلق به میرزا حسینخان سپهسالار بوده است. سپهسالار چون فرزندی نداشت املاک خود را وقف کرد و سرپرستی آنها را به پادشاه زمانه سپرد.<sup>۱</sup> که از جمله موقوفات وی مسجد و مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) نیز می‌باشند.

در مجموعه و باغ بهارستان ابنیه دیگری نیز وجود داشته و دارد که از آنجمله است، عمارت مجلس شورای ملی که این عمارت در حقیقت بیرونی سپهسالار و محل پذیرائی وی از میهمانان داخلی و خارجی بوده است و همچنین ابنیه دیگری که در قسمت شرقی مجموعه بهارستان قرار داشته و در حکم اندرونی سپهسالار بوده است. از این مجموعه اندرونی چند ساختمان تخریب شده و چند ساختمان موجود می‌باشد که یکی از این ساختمان‌ها زمانی به کتابخانه مجلس شورای ملی اختصاص پیدا می‌کند و هم‌اکنون ساختمان کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) است. پس از فوت سپهسالار عمارت بیرونی به مجلس شورای ملی اختصاص پیدا می‌کند و عمارت اندرونی در اختیار همسر وی قمرالسلطنه قرار می‌گیرد و پس از فوت قمرالسلطنه در تملک ناصرالدین شاه در می‌آید. بنابه روایتی، ناصرالدین شاه اندرونی را از قمرالسلطنه خریداری می‌کند و بنابه روایتی دیگر پس از فوت قمرالسلطنه آنجا را با قدرت و اختیار خویش به تملک خود درمی‌آورد که البته این قول دوم صحیح‌تر می‌نماید.

به هر حال ناصرالدین شاه پس از مدتی مجموعه اندرونی سپهسالار را به ملیجک و همسر وی که دختر ناصرالدین شاه بنام اخترالدوله بوده می‌بخشد و این واقعه مربوط به ۷ رمضان ۱۳۰۹ قمری است، که سال فوت قمرالسلطنه نیز همین سال بوده است. پس از اینکه مجموعه به عزیزالسلطان (ملیجک) واگذار می‌شود، این مجموعه عزیزیه نام می‌گیرد. اعتمادالسلطنه در خاطرات خود مورخ ۷ رمضان ۱۳۰۹ در این مورد چنین می‌نویسد:

«اندرونی باغ سپهسالار مرحوم را هم که خانه مرحوم قمرالسلطنه بود سه چهار دستگاه عمارت و باغ است به عزیزالسلطان بخشیدند، چند روز دیگر است که پدرش هم که میرزا محمد خان باشد متولی مسجد خواهد شد و موقوفات مسجد را خواهد داشت....»

عمارت اندرونی به صورت L شکل ساخته شده بود و سمت غرب آن به دیوار شرقی مجلس متصل می‌شد. طبق آنچه از خاطرات ملیجک بدست می‌آید، وی یقیناً تا سال ۱۳۲۸ قمری در آن مجموعه زندگی می‌کرده و عمارت ملیجک و همچنین عمارت اندرونی سپهسالار متعلق به وی بوده است. پس از این تاریخ یعنی ۱۳۲۸ قمری مشخص نیست که تا چه تاریخی مجموعه عزیزیه در اختیار عزیزالسلطان بوده است زیرا منابع مکتوبی در این زمینه نیافته‌ام اما در اینجا استناد می‌کنم به مصاحبه استاد عبدالحسین حائری که ایشان از سال ۱۳۳۰ خورشیدی تا بحال از مدیران ارشد مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی بوده‌اند. ایشان در مورد انتقال عمارت مورد مطالعه به مجلس، از همکاران قدیمی خود اینچنین نقل می‌نمایند:

«در دوره‌ای از دوره‌های مجلس عبدالحسین خان تیمورتاش نماینده‌ی مجلس بود، مرحوم آیت ... سید



حسن مدرس مشاهده می‌کند که در بعضی از ساعت‌های تنفس و بیکاری نمایندگان، تیمورتاش و عده‌ای از نمایندگان پشت یکی از پنجره‌های مجلس که مشرف به عمارت ملیجک بوده جمع می‌شوند و منظره‌ای را تماشا می‌کنند و چون این منظره گاهی موجبات خنده و شادی این عده را فراهم می‌کرد، بالاخره مرحوم مدرس یکدفعه که برای فهمیدن موضوع به آنجا می‌رود، مشاهده می‌کند که آنها دختر فردی را که در عمارت ملیجک زندگی می‌کرده و با لباس راحت در خانه مشغول پیانو زدن می‌شده را تماشا می‌کنند. پدر این دختر فردی بنام دکتر کردستانی بوده، وی سالها در فرنگ زندگی می‌کرده و ظاهراً همسرش هم فرنگی بوده [نقل به مضمون] با دیدن این مسئله مرحوم مدرس به رئیس مجلس پیشنهاد می‌کند که برای فیصله دادن به این قضیه، مجلس ملک عزیزیه را خریداری کند و چنین نیز می‌شود. از دکتر کردستانی اطلاعات بیشتری در دست نداریم و همچنین نمی‌دانیم که در چه تاریخی ملک را از ملیجک یا فرد دیگری خریداری یا اجاره کرده. به نظر بنده و با کمی احتیاط می‌توان گفت که تاریخ انتقال عمارت توسط ملیجک به دکتر کردستانی باید بین سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ قمری یعنی فاصله بین پایان دوره سوم و شروع دوره چهارم مجلس باشد. چرا که در این دوران پنج ساله کشور اوضاع مطلوبی نداشته است؛ اثرات شوم جنگ جهانی اول و تعطیل مشروطیت و تضعیف قدرت مرکزی، جنگ داخلی روسیه و تغییر سلطنت روسیه تزاری به حکومت کمونیستی و اثرات آن در سیاست جهانی و بخصوص در اوضاع داخلی ایران، عقد قرارداد ننگین اوت ۱۹۱۹ میلادی بین وثوق الدوله و دولت انگلیس و مخالفت مردم با آن، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی، همگی می‌تواند باعث این شده باشد که ملیجک دیگر در آن مکان که مرکز تجمعات هم بوده، احساس امنیت نکند و به فکر نقل مکان از آنجا بیفتند. در اینجا این احتمال را نیز باید در نظر گرفت که ممکن است ملیجک ملک را به دکتر کردستانی نفروخته باشد، بلکه آن را به وی اجاره داده باشد. در کتاب (ملیجک عزیز دردانه ناصرالدین شاه) چنین آمده است: «عزیزالسلطان (ملیجک) که در این اواخر به

لقب سردار محترم نامیده می‌شد... از حق ملکیت خود نسبت به عمارت عزیزیه، در مجلس شورای ملی سابق صرفنظر کرد، ولی قرار شد ۲۰ هزار تومان در ازای این بخشش به او بدهند. این پول را نیز در ازای واگذاری عمارت عزیزیه به مجلس شورای ملی سابق به او نپرداختند و تا زمان سلطنت رضاخان طول کشید و بالاخره او دستور پرداخت آنرا از محل صرفه‌جوئیهای بودجه مجلس صادر فرمودند.»

حال با توجه به کل مطالب بالا و اظهارات استاد حائری این نتیجه گرفته می‌شود که تاریخ انتقال ملک مورد نظر به مجلس باید بین سال افتتاح دوره سوم و سال اختتام دوره ششم باشد چرا که بین دوره سوم تا ششم، مدرس و تیمورتاش با هم نماینده مجلس بوده‌اند.

### نتیجه:

- ۱- در آغاز عرصه و اعیانی مجموعه عزیزیه، جزئی از باغ بهارستان و متعلق به میرزا حسینخان سپهسالار بوده است.
- ۲- پس از فوت سپهسالار چون وی فرزندی نداشته و طبق وصیت خود وی، املاک در اختیار ناصرالدین شاه قرار می‌گیرد.
- ۳- پس از فوت سپهسالار مجموعه عزیزیه که در اصل عمارتهای اندرونی سپهسالار بوده (البته هنوز در آن زمان عزیزیه به آن اطلاق نشده بود) در اختیار قمرالسلطنه همسر سپهسالار قرار می‌گیرد و وی تا آخر عمر در آنجا زندگی می‌کرده است.
- ۴- پس از فوت قمرالسلطنه در سال ۱۳۰۹ قمری، مجموعه اندرونی نیز توسط ناصرالدین شاه تصاحب می‌شود.
- ۵- در همان سال ۱۳۰۹ قمری ناصرالدین شاه مجموعه اندرونی سپهسالار را به ملیجک (عزیزالسلطان) می‌بخشد و از این پس، مجموعه بنام عزیزیه خوانده می‌شود.
- ۶- در سال ۱۳۱۳ قمری یعنی در همان سالی که ناصرالدین شاه ترور شد در مجموعه‌ی عزیزیه عمارتی جدید ساخته می‌شود که همان عمارت مورد مطالعه ما در این پروژه می‌باشد که بنام عمارت ملیجک از آن نام برده می‌شود.
- ۷- تا سال ۱۳۲۸ قمری یقیناً ملیجک در این محل زندگی می‌کرده است.
- ۸- بین سالهای ۱۳۳۴ ق تا ۱۳۳۹ ق ملک توسط ملیجک تخلیه و بطور موقت در اختیار فردی بنام دکتر کردستانی قرار می‌گیرد.

### کاربری‌های عمارت ملیجک

- قبل از احداث عمارت مورد مطالعه ما، عرصه‌ی این بنا جزئی از املاک میرزا حسین خان سپهسالار و بطور دقیق تر قسمتی از عرصه‌ی اندرونی وی بوده است.
- پس از فوت سپهسالار اعیانی و عرصه‌ی اندرونی وی در اختیار قمرالسلطنه همسر او قرار می‌گیرد که

- قمرالسلطنه تا آخر عمر یعنی سال ۱۳۰۹ قمری در آنجا زندگی می‌کرده‌اند.
- پس از فوت قمرالسلطنه مجموعه در اختیار ناصرالدین شاه قرار می‌گیرد و در همان سال ۱۳۰۹ قمری، مجموعه را به عزیزالسلطان (ملیجک) می‌بخشد؛ و مجموعه بنام عزیزیه معروف می‌شود.
  - از سال ۱۳۱۲ قمری یعنی سال ازدواج ملیجک با اخترالدوله، دختر ناصرالدین شاه این مجموعه به محل سکونت آنها تعلق می‌گیرد و جهیزیه اخترالدوله نیز به این محل منتقل می‌شود.
  - در سال ۱۳۱۳ قمری عمارت مورد مطالعه‌ی ما احداث و در حکم بیرونی مجموعه انجام وظیفه می‌کند و بقیه عمارتهای مجموعه در حکم اندرونی قرار می‌گیرد.
  - آنچه مسلم است ملیجک تا سال ۱۳۲۸ قمری به همراه خانواده خود در این محل زندگی می‌کرده، منتهی در این زمان همسر وی دیگر اخترالدوله نبوده، چون وی بعد از ترور ناصرالدین شاه از ملیجک طلاق گرفته و همسر فردی بنام ارشدالدوله می‌شود و ملیجک هم دختر کامران میرزا یعنی نوه ناصرالدین شاه را به همسری برمی‌گزیند و در این مجموعه زندگی می‌کنند.
  - بین سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ قمری ملک را ملیجک تخلیه کرده و بطور موقت در اختیار فردی بنام دکتر کردستانی قرار می‌دهد. (از دکتر کردستانی اطلاعی در دست نداریم و فردی بنام دکتر کردستانی نماینده‌ی مجلس شورای ملی بوده، که فرد مورد نظر ما نمی‌باشد).
  - بین سالهای ۱۳۴۱ قمری (افتتاح مجلس چهارم) و ۱۳۴۴ (پایان مجلس پنجم)، مجموعه عزیزیه به مجلس شورای ملی واگذار می‌شود.
  - از ۱۳۳۰ خورشیدی که مجلس سنا تشکیل می‌شود، عمارت مورد نظر ما تبدیل به دفتر کار اولین رئیس مجلس سنا یعنی سیدحسن تقی‌زاده می‌شود و جلسات سنا نیز در همان عمارت مجلس شورای ملی برگزار می‌شود. این قضیه ادامه پیدا می‌کند تا وقتی که برای مجلس سنا ساختمان جدید ساخته می‌شود و عمارت ملیجک یا همان دفتر کار رئیس مجلس سنا نیز تخلیه شده و به محل جدید نقل مکان می‌دهد.
  - همچنین در همان هنگام که عمارت متعلق به مجلس سنا بوده، قسمت جنوب شرقی ایوان این عمارت را تیغه کرده و به کتابخانه مجلس سنا اختصاص می‌دهند که پس از تخلیه ساختمان توسط مجلس سنا، این تیغه‌ها برداشته می‌شود. این مطالب در اسناد حسابداری مجلس شورای ملی موجود است.
  - قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سپهبد فضل‌الله زاهدی در مجلس متحصن و به عبارتی مخفی می‌شود؛ و در گفتگویی که بنده با آقای عیسی کاوه (امین، پیشخدمت، پیشمرگ سپهبد زاهدی و ناظم مجلس سنا) داشتم، ایشان بیان نمودند که قبل از کودتا، ساختمان ملیجک که در آن هنگام ساختمان شماره پنج مجلس نامیده می‌شد محل سکونت و کار سپهبد زاهدی بود و از آنجا ارتباطات و مکاتبات خود را با بیرون برقرار می‌نمود. وی تا بعد از کودتا در این عمارت می‌ماند و سپس به ساختمان دانشکده‌ی افسری می‌رود و مرحوم دکتر مصدق را نیز بعد از دستگیری، نزد وی در همانجا می‌برند.
  - مدتی این عمارت محل کار عباس حمیدی، رئیس دفتر مجلس بوده و قبل از آن احتمالاً مدتی عمارت کمیسیون بودجه مجلس بوده است.

- زمانی به دفتر کار هیئت رئیسه و کار پردازی مجلس اختصاص پیدا می‌کند. (از حدود سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ یا ۴۸ خورشیدی)
- از حدود سال ۱۳۴۸ یا ۴۹ خورشیدی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در این عمارت مستقر می‌شود که مسئولین آن افرادی بنام تهرانی و پزشکیور بوده‌اند. اتاق شرقی دفتر کمیسیون اصل ۹۰ و اتاق جنوبی محل تشکیل کمیسیون بوده است.
- هم زمان با مورد بالا، اتاق غربی عمارت در اختیار مدیر خدمات مجلس بوده است.
- از حدود سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ کار گزینی مجلس به اتاق غربی عمارت منتقل می‌شود.
- تا اوایل انقلاب اسلامی عمارت تحت تصرف کمیسیون عرایض بوده است.
- بعد از انقلاب اسلامی عمارت در اختیار مسئولین کمیته امداد امام(ره) قرار می‌گیرد و افرادی مانند آقایان شفیع، نیر و عسگر اولادی در آنجا کار می‌کرده‌اند و زیر زمین عمارت به محل نگهداری اموال مصادره شده و نمازخانه اختصاص پیدا می‌کند.
- حدود سال ۱۳۶۲ خورشیدی کمیته امداد امام محل را تخلیه می‌کند.
- در همین سال اتاق جنوبی عمارت به کارکنان برق مجموعه‌ی بهارستان تحویل می‌شود و اتاقهای جانبی انبار وسایل آنان می‌شود.
- در همین زمان، مدتی دو اتاق الحاقی در طبقه دوم عمارت، به حراست مجلس اختصاص پیدا می‌کند.
- تا زمان تخلیه کامل و شروع کار مرمت کلی بنا، این عمارت مقر کارکنان برق و بصورت انبار بوده است.
- پس از آن این ساختمان تا مدتی محل نگهداری اشیاء موزه‌ای کتابخانه مجلس می‌شود.
- هم‌اکنون طبقه زیرین این ساختمان در اختیار مرکز اسناد و معاونت مالی اداری کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه تخصصی انقلاب اسلامی (از کتابخانه‌های تابع کتابخانه مجلس) است. و طبقه فوقانی آن را در اختیار مجلس قرار دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

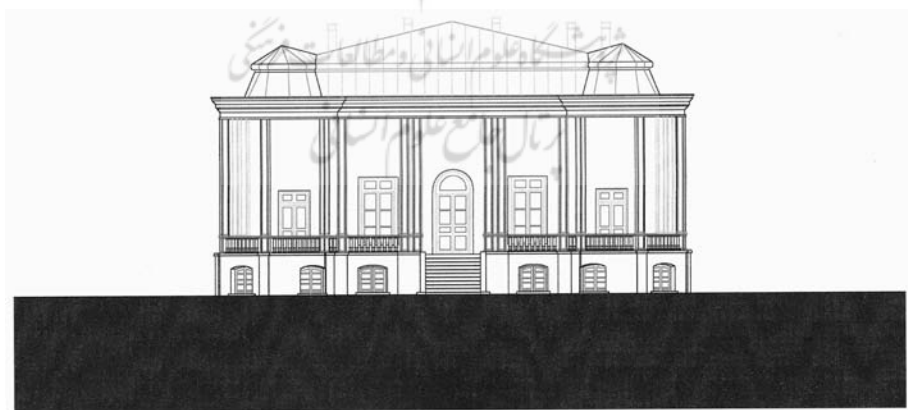




پیام بهارستان / د، ۲، س، ۱، ش، ۱ و ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۸۷



نمای شمالی



نمای جنوبی

